

بررسی رابطه میان سرمایه اجتماعی و فرهنگ سیاسی دانشجویان مطالعه موردی: دانشگاه اصفهان

نجات محمدی فر* - حسین مسعودنیا** - گلرادر مرادی***

چکیده

تداوم مشارکت سیاسی دانشجویان یکی از مهم‌ترین مسائل برای نظام جمهوری اسلامی ایران در دهه چهارم حیات سیاسی خود می‌باشد. به نظر می‌رسد که یکی از عوامل تأثیرگذار بر مشارکت سیاسی دانشجویان، نوع فرهنگ سیاسی آنهاست؛ در شکل‌گیری فرهنگ سیاسی عوامل متعددی نقش دارند که سرمایه اجتماعی یکی از مهم‌ترین آنهاست. بنابراین، با توجه به چنین پیشینه‌ای، محور اصلی مقاله حاضر تبیین رابطه سرمایه اجتماعی و فرهنگ سیاسی دانشجویان در ایران است.

روش تحقیق پیمایش، ابزار گردآوری اطلاعات، پرسش‌نامه و جامعه آماری آن، دانشجویان کارشناسی ارشد دانشگاه اصفهان است که تعداد ۱۲۰ نفر از آنان به شیوه تصادفی سیستماتیک برای این مطالعه انتخاب شده‌اند.

نتایج حاصل از ضریب همبستگی نشان می‌دهد که بین متغیر میزان انسجام اجتماعی با فرهنگ سیاسی محدود ($r = -0.28$)، مشارکتی ($r = 0.42$) و تبعی ($r = -0.16$)، همچنین میان متغیر امنیت اجتماعی با فرهنگ سیاسی محدود ($r = -0.19$)، تبعی ($r = -0.14$) و مشارکتی ($r = 0.29$) رابطه وجود دارد.

واژگان کلیدی:

سرمایه اجتماعی، فرهنگ سیاسی، مردم‌سالاری، دانشگاه اصفهان

❖ مقدمه

یکی از مهم‌ترین موضوع‌ها در حوزه آسیب‌شناسی انقلاب‌ها برای جلوگیری از ورود به عصر «ترمیدور»^۱، حفظ خصلت مردمی انقلاب از طریق تداوم مشارکت سیاسی است. اهمیت این موضوع از آنجا برای جمهوری اسلامی ایران دوچندان می‌باشد که تحقق و تقویت بُعد مردم‌سالاری نظام، از طریق حفظ و تقویت مشارکت سیاسی است. به عبارت دقیق‌تر، بُعد مردم‌سالارانه نظام با موضوع مشارکت سیاسی رابطه مستقیم دارد. اگرچه تداوم حضور مشارکت سیاسی همه گروه‌های اجتماعی مهم است، در این میان دانشجویان از جمله گروه‌هایی هستند که مشارکت سیاسی آنان اهمیتی ویژه دارد، چراکه این گروه هسته اصلی طبقه متوسط جدید است که خواست اصلی آنها توسعه سیاسی و تعداد آنها نیز در سه دهه اخیر در ایران به دلیل گسترش توسعه نظام آموزش عالی، گسترش یافته است.

فرهنگ سیاسی به معنای ایستارها و باورهای احساسی افراد به نظام و نخبگان سیاسی، نقش مهمی در مشارکت سیاسی دانشجویان دارد که از میان انواع فرهنگ سیاسی (محدود، تبعی و مشارکتی) تنها فرهنگ سیاسی مشارکتی می‌تواند تسهیل‌کننده این مهم باشد. بنابراین، با توجه به چنین پیشینه‌ای به نظر می‌رسد که یکی از راهکارها برای تقویت بُعد مردم‌سالاری نظام جمهوری اسلامی ایران تغییر فرهنگ سیاسی دانشجویان از تبعی و محدود به مشارکتی باشد.

به نظر می‌رسد که عوامل مؤثری در ایجاد انگیزه در دانشجویان برای مشارکت سیاسی و فرهنگ سیاسی مؤثر است که یکی از مهم‌ترین آنها سرمایه اجتماعی می‌باشد. «لینچ» و «کاپلان» سرمایه اجتماعی را نوعی انباشت سرمایه و شبکه‌هایی معرفی کرده‌اند که همبستگی اجتماعی، تعهد اجتماعی و در نتیجه نوعی عزت نفس را در افراد به وجود می‌آورد (Lynch & Kaplan, 1997: 307).

«رژ» بر این باور است که سرمایه اجتماعی تنها به وسیله عضویت در نهادها به دست

1. Thermidor

۲۰۵ ❖ بررسی رابطه میان سرمایه اجتماعی و فرهنگ سیاسی ...

می‌آید. وی بر این باور است که شبکه‌های سرمایه اجتماعی به طور خاص در فراهم کردن حمایت‌های عاطفی نقش مؤثری بر افراد دارند. (Rose, 2000: 1423).

«پاتنام»^۱ نیز سرمایه اجتماعی را در اجزایی چون: شبکه‌ها، هنجارها و اعتماد می‌داند (Putnam, 1995: 54). «ویلکنسون» بر این باور است که عواملی چون بی‌عدالتی‌ها، سرخوردگی‌ها و بی‌احترامی‌ها ناشی از عوامل اجتماعی هستند که سلامت افراد را به خطر می‌اندازند (Wilkinson, 1999: 529). به نظر «فوکویاما» سرمایه اجتماعی مجموعه معینی از هنجارها و ارزش‌های غیررسمی است که اعضای گروهی که همکاری و تعاون میانشان مجاز است، در آن سهیم هستند (ایمان و دیگران، ۱۳۸۷: ۱۴۴).

بر این اساس، محور اصلی مقاله حاضر را این سؤال تشکیل می‌دهد که چه رابطه‌ای میان سرمایه اجتماعی و فرهنگ سیاسی دانشجویان وجود دارد؟

هدف، پاسخ به این سؤال به هر دو شیوه توصیفی - تحلیلی و پیمایشی است؛ بدین معنا که ابتدا مفاهیم سرمایه اجتماعی و فرهنگ سیاسی را همراه با رابطه آنها تبیین می‌کنیم و سپس با استفاده از شیوه پیمایش نقش سرمایه اجتماعی را در تغییر فرهنگ سیاسی دانشجویان از تبعی و محدود به مشارکتی تحلیل خواهیم کرد.

پیشینه

درباره موضوع مقاله مطالعه‌هایی انجام شده که مروری کلی بر نتایج آنها، ضمن آشنایی با رویکردهای گوناگون به موضوع بحث، به غنی‌تر کردن محتوای نوشتار حاضر نیز کمک می‌نماید.

«تقی‌لو» (۱۳۸۴) در مقاله‌ای به نام «بررسی رابطه سرمایه اجتماعی با امنیت اجتماعی» با مروری بر ادبیات موجود در بررسی جوانب مختلف رابطه سرمایه اجتماعی و امنیت اجتماعی، از یک سو به روابط متقابل مفهومی میان آنها، روش‌شناسی و شاخص‌های مربوط به هر

1. Putnam

کدام پرداخته و در این بین بیان کرده که این دو مفهوم چگونه در تعیین حدود یکدیگر نقش داشته‌اند؛ چنان‌که زمانی ارزش‌ها، هنجارها، عرف و سنت‌ها از منظر پیامدهای مثبت جمعی به مثابه نوعی سرمایه اجتماعی و زمانی از بُعد نقش آنها در جامعه‌پذیری و کنترل اجتماعی، به مثابه شرط لازم امنیت اجتماعی در نظر گرفته می‌شوند.

از سوی دیگر، در تلاش برای تبیین رابطه سرمایه اجتماعی و امنیت اجتماعی و توضیح چگونگی آن، این فرضیه را مطرح می‌کند که سرمایه اجتماعی چگونه از مجرای زمینه‌سازی مشارکت مثبت و فعال فرد در زندگی اجتماعی که به واسطه مکانیسم کنترل اجتماعی، جامعه‌پذیری هنجارها و ارزش‌ها صورت می‌گیرد، موجب تأمین امنیت اجتماعی از بُعد معنایی آن می‌شود؛ بدین معنا که فرد را از گرفتار آمدن در دامن ناهنجاری‌ها، انحراف‌ها و جرم و جنایت به مثابه مظاهر ناامنی اجتماعی و مشارکت منفی در جامعه به دور می‌دارد. بدین ترتیب، نویسنده برای رویارویی با بحران امنیت اجتماعی در یک جامعه در حال گذار، به ارائه این تجویز می‌پردازد که حفظ و تقویت سرمایه اجتماعی از طریق تقویت جامعه مدنی در برابر سیاست‌های مداخله دولتی، به تأمین امنیت اجتماعی خواهد انجامید (تقی‌لو، ۱۳۸۴).

«جانگ تیان‌ونگ» در تحقیقی با نام «سرمایه اجتماعی و پیامدهای سیاسی در تایوان» معتقد است سرمایه اجتماعی می‌تواند زمینه‌ها و شرایط لازم را برای مشارکت سیاسی فعال و پویا و همچنین تقویت نهادهای دموکراتیک را برای رژیم‌های سیاسی به ارمغان آورد (Jang, Tian: 2002).

«عطارزاده» و همکارانش در پژوهشی به نام «نقش رسانه‌های جمعی در جهت‌دهی فرهنگ سیاسی دانشجویان» به این نتیجه رسیدند که رسانه‌ها در تغییر ایستارها و نگرش‌های سیاسی دانشجویان نقش اساسی ایفا می‌کنند تا جایی که باعث افزایش جهت‌گیری‌های شناختی و ارزش‌یابانه دانشجویان به نظام سیاسی شده است. همچنین نتایج این پژوهش نشان‌دهنده دور شدن دانشجویان از فرهنگ سیاسی محدود و تا حدودی فرهنگ سیاسی تابع شده و گرایش دانشجویان به فرهنگ سیاسی مشارکتی را نشان می‌دهد (عطارزاده و دیگران، ۱۳۸۸).

بررسی رابطه میان سرمایه اجتماعی و فرهنگ سیاسی ... ❖ ۲۰۷

«احمدی» در تحقیقی با عنوان «سرمایه اجتماعی، جامعه مدنی و دموکراسی» درصدد برآمد تا به ارائه مدلی نو به برقراری پیوند میان سرمایه اجتماعی و دموکراسی دست یازد. وی به این نتیجه رسید که پیوند میان سرمایه اجتماعی و دموکراسی، به صورت رابطه‌ای دیالکتیکی و دوسویه به واسطه مؤلفه‌های جامعه مدنی، شهروند قدرتمند و فرهنگ صلح تبیین و تشریح شده است. از این منظر حجم وافر سرمایه اجتماعی به تقویت شاخص‌های تشکیل دهنده مؤلفه‌های بالا منجر شده و تقویت و تحکیم این سه مؤلفه، مجموعه‌ای از شرایط مناسب برای رشد و نضج دموکراسی یا تثبیت آن را فراهم می‌آورد (احمدی، ۱۳۸۵).

«اکبری» نیز در پژوهشی با نام «بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر مشارکت سیاسی - اجتماعی» این سؤال محوری را مطرح می‌کند که سرمایه اجتماعی و شاخص‌های آن چگونه بر مشارکت سیاسی - اجتماعی تأثیر می‌گذارد؟ و در این میان خانواده‌گرایی و فشارهای گروهی چه نقشی را ایفا می‌کند؟ نتیجه این تحقیق نشان داد که وجود سرمایه اجتماعی بر میزان مشارکت تأثیر می‌گذارد و اعتماد موجود در آنها بیشتر از نوع درون‌گروهی است و خانواده‌گرایی بالا نیز دال بر این واقعیت است که چندان نمی‌تواند مساعد و مناسب توسعه باشد. اعتماد افراد به هم و درون‌گروهی بسیار بالا و اعتماد به دولت بسیار پایین است.

به نظر می‌رسد تقویت اعتماد به‌خصوص نوع برون‌گروهی آن، بسط و گسترش نهادهای مشارکتی، فراخواندن مردم و درگیر کردن روزافزون آنها در فرایند توسعه و بالا بردن سطح آگاهی‌های سیاسی از روش‌های مختلف می‌تواند به شکل‌گیری دموکراسی بیشتر و توسعه بینجامد (اکبری، ۱۳۸۳).

«جهانگیری» و «بوستانی» در پژوهشی با عنوان «بررسی عوامل مؤثر بر فرهنگ سیاسی» در شهر شیراز به این نتیجه رسیدند که هرچه تحصیلات افراد بالاتر باشد، آنها شناخت بیشتری از درون‌دادها، یعنی تقاضاها و حمایت‌ها پیدا می‌کنند و می‌توانند در فرایندهای سیاسی نقش فعالی را ایفا کنند. همچنین به استناد یافته‌های آنان، با افزایش سطح تحصیلات، از جهت‌گیری احساسی افراد نسبت به درون‌دادها کاسته می‌شود (جهانگیری و

هرچند هیچ کدام از مطالعه‌های انجام شده مستقیم به موضوع این پژوهش نپرداخته‌اند، غیرمستقیم درباره‌ی این رابطه مطالعه کرده‌اند. بیشتر این مطالعه‌ها با رویکردی توصیفی پیش رفته و از مباحث آماری در حد توصیف استفاده کرده‌اند. در این مطالعه سعی می‌کنیم سرمایه‌ اجتماعی را با تمرکز بر مؤلفه‌های اجتماعی با رویکرد جامعه‌شناختی مسئله و فرهنگ سیاسی را با تمرکز بر مؤلفه‌های سیاسی آن و با رویکرد علم سیاست دقیق بررسی نماییم. بنابراین، سعی می‌کنیم با چارچوبی بین‌رشته‌ای و روش آماری پیشرفته این روابط را مطالعه و بررسی نماییم.

مروری بر مباحث نظری

الف. نظریه‌های مرتبط با فرهنگ سیاسی

دیدگاه کارکردگرایی

در چارچوب کارکردگرایی «مسئله سازواری و تعارض ارزشی» به مثابه موضوع محوری تبیین رفتارهای سیاسی تلقی می‌شود. از نظر «دورکیم» و «پارسونز» ارزش‌ها و هنجارها اجزای اصلی واقعیت‌های اجتماعی‌اند و می‌توانند بخش‌های گوناگون جامعه را به هم پیوند دهند. بر این اساس، ناتوانی جامعه در ایجاد فرهنگی مبتنی بر اجماع یا کثرت‌گرایی باعث تغییرات رفتاری و ساختاری شده که این خود باعث به مخاطره افتادن تشکیلات اجتماعی می‌شود (قوام، ۱۳۸۲: ۱۰۷). در چارچوب رهیافت کارکردگرایی می‌توان به «آلموند» و «وربا» و همچنین «پای» اشاره کرد.

آلموند و وربا در اثر معروف خود فرهنگ مدنی^۱ منظور از فرهنگ سیاسی را این‌طور بیان می‌کنند: «زمانی که ما از فرهنگ سیاسی یک جامعه صحبت می‌کنیم به نظام‌های سیاسی، آن چنان که در شناخت احساسات و ارزشیابی افراد آن نظام درونی شده‌اند، برمی‌گردیم» (Almond & Verba, 1963: 13). پس شناخت، احساسات و ارزشیابی افراد در ارتباط با

1. Civic culture

۲۰۹ ❖ بررسی رابطه میان سرمایه اجتماعی و فرهنگ سیاسی ...

ساختار سیاسی، هسته اصلی مفهوم فرهنگ سیاسی را تشکیل می‌دهند. آلموند و وربا درباره انتخاب این رهیافت می‌گویند: «اصطلاح فرهنگ سیاسی را به این دلیل انتخاب کرده‌ایم که ما را قادر سازد از چارچوب نظری و مفهومی و رهیافت‌های انسان‌شناسی، جامعه‌شناسی و روان‌شناسی استفاده کنیم» (Almond & Verba, 1963: 82). آلموند به سه فرهنگ سیاسی اشاره می‌کند: ۱. فرهنگ سیاسی محدود^۱، ۲. فرهنگ سیاسی تابع^۲، ۳. فرهنگ سیاسی مشارکتی^۳.

فرهنگ سیاسی محدود: در این نوع فرهنگ، جهت‌گیری‌های افراد به هدف‌های سیاسی فوق‌العاده ضعیف است و مردم تصور نمی‌کنند که می‌توانند در شکل‌گیری و دگرگونی هدف‌های سیاسی مؤثر باشند. افراد نه نسبت به نهادهای سیاسی کشور و نیز مسائل و تصمیم‌های ملی احساس وابستگی می‌کنند و نه تصویر روشنی از نظام سیاسی در ذهن دارند. در فرهنگ مزبور با آنکه ممکن است افراد در سطوح محلی در تصمیم‌گیری‌ها دخالت داشته باشند، نمی‌توانند این تصمیم‌ها و سیاست‌ها را به کل نظام سیاسی مرتبط سازند. در این شرایط طرح موضوعاتی نظیر: منافع، هدف‌ها، مشارکت، امنیت و توسعه ملی محلی از اعراب ندارد و اگر احیاناً تهدیدی متوجه امنیت کشور شود، تنها زمانی برای مردم ملموس است و درصدد واکنش برخواهند آمد که بر قبیله یا عشیره آنها تأثیری داشته باشد (قوام، ۱۳۸۱: ۷۲).

فرهنگ سیاسی تابع: در این نوع فرهنگ سیاسی ممکن است افراد از وجود نظام سیاسی و داده‌های آن آگاهی داشته و به آن علاقه‌مند یا از آن متنفر باشند، ولی به علت نبود نهادهای بیان و تجمع خواسته‌ها و تقاضاها یا ضعف ساختارهای نهاده، افراد نمی‌توانند از کارایی سیاسی چندانی برخوردار باشند. در این نوع فرهنگ، نخبگان سیاسی سخنگوی خواسته‌های مردم هستند. به این ترتیب، در فرهنگ سیاسی تبعی مردم خود را شرکت‌کنندگان فعال در فرایند سیاسی نمی‌پندارند و عملاً اتباع حکومت تلقی می‌شوند (قوام، ۱۳۸۱: ۷۲).

1. Parochial political culture
2. Subject political culture
3. Participant political culture

فرهنگ سیاسی مشارکتی: در این فرهنگ مردم به طور نسبی در نهاده‌ها و نیز داده‌ها نقش دارند و نسبت به رفتار نخبگان سیاسی حساس‌اند. در کشورهای برخوردار از این نوع فرهنگ سیاسی، شهروندان از لحاظ روانی بر این باورند که می‌توانند به نظام سیاسی کمک و مساعدت کنند و بر تصمیم‌ها مؤثر واقع شوند. در این نوع فرهنگ سیاسی شهروندان در سیاست مشارکت فعال دارند، امنیت، انسجام و اعتماد در فرهنگ سیاسی مشارکتی در سطحی بالا وجود دارد (قوام، ۱۳۸۱: ۷۳). بنابراین همان‌طور که ملاحظه می‌کنید، در این نوع فرهنگ سیاسی شاخص‌های سرمایه اجتماعی (اعتماد، امنیت و انسجام) به میزان بالایی وجود دارد. آلموند فرهنگ سیاسی را به سه سطح تقسیم کرده و تأکید می‌کند که در هر جامعه نوع خالصی از فرهنگ سیاسی مشاهده نشده، بلکه ترکیبی از این انواع دیده می‌شود:

فرهنگ سیاسی محدود به عنوان پایین‌ترین سطح، فرهنگ سیاسی تبعی یا انقیادی به عنوان سطح میانی و فرهنگ سیاسی مشارکتی به عنوان بالاترین سطح تعریف شده‌اند. هرچه در یک جامعه فرهنگ سیاسی از سطح پایین یا محدود به سطح بالا یا مشارکتی نزدیک‌تر شود، می‌توان گفت نظام سیاسی آن جامعه در بُعد فرهنگی توسعه یافته‌تر است (کتابی و دیگران، ۱۳۸۰: ۸۸).

پای علاوه بر توجه و تأکید بر گونه‌شناسی آلموند به دو نوع فرهنگ سیاسی فردگرا و جمع‌گرا اشاره می‌کند. سنت‌های یک جامعه، روح نهادهای عمومی آن، هیجان‌ها و عقل جمعی شهروندی و همچنین، سبک و رمزهای عمل رهبران آن، نتایج تصادفی تجربه تاریخی نیستند، بلکه به مثابه جزئی از یک کل معنادار، با هم ترکیب و تناسب یافته و یک مجموعه به هم پیوسته و معقول از روابط را به وجود می‌آورند. در واقع، فرهنگ سیاسی مؤثر و برای اجتماع، ساخت نظام یافته‌ای از ارزش‌ها و ملاحظه‌های معقول را فراهم می‌آورد (پای، ۱۳۷۰: ۳۹).

دیدگاه مارکسیستی

دومین رهیافت برای تبیین فرهنگ سیاسی، دیدگاه مارکسیستی است که طی آن فرهنگ سیاسی در حد نقش ثانویه تقلیل می‌یابد. از این دیدگاه، فرهنگ سیاسی بخشی از روبنای جامعه تلقی می‌شود که خود انعکاسی از روابط اقتصادی است. بدین ترتیب، هنجارهای فرهنگی بر اساس مبانی اقتصادی و اجتماعی جامعه تعیین می‌شود. از آنجا که پایگاه اقتصادی و اجتماعی به صورت طبقات منکسر می‌باشد، بنابراین تعارض و ستیزش عمدتاً بین فرهنگ مسلط طبقه حاکم و انواع زیرفرهنگ‌های طبقاتی است. بنابراین، از دیدگاه این رهیافت، فرهنگ سیاسی محصول مساعی طبقات حاکم برای تحمیل ارزش‌های خود به طبقات پایین‌تر از طریق سازوکارهای رسمی حکومتی نظیر نظام آموزشی است (قوام، ۱۳۸۲: ۱۰۹).

ب. نظریه‌های مرتبط با سرمایه اجتماعی

بحث سرمایه اجتماعی، قبل از سال ۱۹۱۶، برای نخستین بار در مقاله‌ای به قلم «هانی فان»^۱ از دانشگاه ویرجینیای غربی مطرح شد. اما برخلاف اهمیت آن در تحقیقات اجتماعی تا سال ۱۹۶۰ میلادی که «جین جاکوب»^۲ در برنامه‌ریزی شهری به کار برد، شکل جدی به خود نگرفت. «لوری»^۳ در دهه ۱۹۷۰ این نظریه را وارد عرصه اقتصاد کرد. «جیمز کلمن»^۴ (۱۹۸۸)، برای اولین بار این مفهوم را در آمریکای شمالی وارد عرصه سیاسی کرد و پاتنام تلاش‌های او را در اروپا پیگیری نمود. نظریه سرمایه اجتماعی عمدتاً با نظریه‌های «بورديو»^۵، «کلمن»، «پاتنام» و «فوکویاما» تکامل پیدا کرد.

1. Hani Fan
2. Jane Jacobs
3. Loury
4. Coleman
5. Bourdieu

بوردیو

دیدگاه بوردیو به سرمایه اجتماعی حائز اهمیت است. بوردیو سرمایه اجتماعی را جمع منابع واقعی یا بالقوه‌ای می‌داند که حاصل شبکه‌ای بادوام از روابط کمابیش نهادینه‌شده آشنایی و شناخت متقابل یا به بیان دیگر، برابر با عضویت در یک گروه است؛ شبکه‌ای که هر کدام از اعضای خود را از پشتیبانی سرمایه اجتماعی برخوردار می‌کند و آنان را مستحق اعتبار می‌سازد (Bourdieu, 1986:157).

بوردیو سه نوع سرمایه شناسایی کرد؛ این اشکال سرمایه عبارت بودند از: شکل اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی. شکل اقتصادی سرمایه بلافاصله قابل تبدیل به پول است مانند دارایی‌های منقول و ثابت یک سازمان، سرمایه فرهنگی نوع دیگر سرمایه است که در یک سازمان وجود دارد مانند تحصیلات عالی‌ اعضای سازمان که این نوع سرمایه نیز در برخی موارد و تحت شرایطی قابل تبدیل به سرمایه اقتصادی است و سرانجام شکل دیگر سرمایه، سرمایه اجتماعی است که به ارتباطات و مشارکت اعضای یک سازمان توجه دارد و می‌تواند به مثابه ابزاری برای رسیدن به سرمایه‌های اقتصادی باشد (Winter, 2000). نگاه وی به این مفهوم ابزاری است و بر دو جنبه تمرکز می‌کند: ۱. فوایدی که فرد از مشارکت در گروه به دست می‌آورد ۲. برقراری ارتباطات اجتماعی عمده برای فراهم آوردن دسترسی هرچه بیشتر به این منافع و سود فردی.

کلمن

به اعتقاد کلمن سرمایه اجتماعی بخشی از ساختار اجتماعی است که به کنشگر اجازه می‌دهد تا با استفاده از آن به منافع خود دست یابد:

روابط اجتماعی هنگامی به وجود می‌آیند که افراد کوشش می‌کنند از منابع فردی خود بهترین استفاده را به عمل آورند و نباید تنها به عنوان اجزای ساختارهای اجتماعی در نظر گرفته شوند. آنها را می‌توان منابعی برای افراد نیز در نظر گرفت. من این منابع اجتماعی - ساختاری را دارایی سرمایه‌ای برای فرد، یعنی سرمایه

اجتماعی در نظر می‌گیرم (کلمن، ۱۳۷۷: ۶۶۲-۶۵۸).

کلمن از سرمایه اجتماعی برای تبیین تفاوت‌ها در زندگی افراد استفاده می‌کند و سرمایه اجتماعی را به وسیله کارکردش تعریف نموده و هنگامی ایجاد می‌شود که روابط میان اشخاص به شیوه‌ای تغییر یابد که کنش را آسان سازد. او بر سودمندی سرمایه اجتماعی تأکید می‌ورزد و آن را منبعی برای همکاری روابط دوجانبه و توسعه اجتماعی می‌داند.

پاتنام

یکی از متخصصان اخیر سرمایه اجتماعی رابرت پاتنام است. وی سرمایه اجتماعی را

این‌گونه تعریف می‌کند:

سرمایه اجتماعی جنبه‌هایی از سازمان اجتماعی از قبیل: هنجارها، شبکه‌های

اجتماعی و اعتماد متقابل است که همیاری و هماهنگی افراد را برای دستیابی به

منافع مشترک تسهیل می‌نماید» (1995).

پاتنام با کنار نهادن نگاه فردمحور کلمن و بوردیو، مفهوم سرمایه اجتماعی را در سطح ملی مطرح کرد و پایه تحلیل خود را بر فرهنگ و آن هم فرهنگ مشارکت مدنی استوار کرد. او با تأکید بر هنجارهای مشارکت مدنی اضافه می‌کند که این منابع (شبکه‌ها، هنجارها و اعتماد) در جوامع مدنی خصلتی خودتقویت‌کننده دارند و باعث ارتقای همکاری، مشارکت مدنی، اعتماد متقابل و رفاه اجتماعی می‌گردند و در جوامع غیرمدنی به دلیل نداشتن توان خودتقویتی باعث تقویت عهدشکنی، بی‌اعتمادی، بهره‌کشی، انزوا و رکود می‌گردند (پاتنام، ۱۳۸۰: ۳۰۰). پاتنام با به کارگیری مفهوم سرمایه اجتماعی، کانون تحلیل خود را بر فرهنگ و عناصر اعتماد، مشارکت و همیاری قرار داد و بر این باور است که میان سطح اعتماد اجتماعی و میزان مشارکت مردم در امور اجتماعی و وجود ثبات و نرخ بالای رشد اقتصادی، همبستگی مثبتی وجود دارد.

از دیدگاه پاتنام سرمایه اجتماعی وضعیتی را فراهم می‌آورد که جوامع به سمت توسعه و ترقی پیش می‌روند؛ هنگامی که مردم در کنش‌های متقابل به یکدیگر اعتماد دارند و خود نیز درخور اعتمادند، ضمن آنکه پیوندها و غلقه‌های میان آنها محکم‌تر می‌شود. همچنین سرمایه اجتماعی به واسطه ارتباطش با سایر پدیده‌های بنیادین جامعه نظیر: نظم اجتماعی، وفاق اجتماعی، رضایت اجتماعی، تعهد و پیوند اجتماعی، انسجام اجتماعی، روابط و تعاملات اجتماعی، امنیت و احساس امنیت اجتماعی و مشارکت اجتماعی، از اهمیتی ویژه برای مطالعه و تبیین برخوردار است (ربیعی، ۱۳۸۳: ۶۴).

فوکویاما^۱

اندیشمند دیگری که تعریفی از سرمایه اجتماعی ارائه داده، فوکویاما است. وی بر وجود هنجارها و ارزش‌های غیررسمی در یک گروه تأکید می‌کند. تعریف او از سرمایه اجتماعی چنین است:

سرمایه اجتماعی را به سادگی می‌توان به مثابه وجود مجموعه معینی از هنجارها یا ارزش‌های غیررسمی تعریف کرد که اعضای گروهی که همکاری و تعاونی میانشان مجاز است، در آن سهیم هستند. مشارکت در ارزش‌ها و هنجارها به خودی خود باعث تولید سرمایه اجتماعی نمی‌شود، زیرا این ارزش‌ها ممکن است ارزش‌های منفی باشد» (۱۳۷۹: ۱۱ - ۱۰).

به نظر فوکویاما، سرمایه اجتماعی عنصر فرهنگی جوامع مدرن (در مقایسه با جوامع سنتی) و پیش‌نیاز فرهنگی و دموکراسی لیبرال باثبات است. او از این اندیشه «توکویل»^۲ استفاده می‌کند که دموکراسی‌ها افراد را آزاد می‌آفرینند. ولی این فردگرایی مردمی را ایجاد می‌کند که ظرفیت همکاری کمی دارند، چون پیوندها و هنجارهای اجتماعی را نمی‌آموزند. دموکراسی‌ها با حوزه جامعه ملنی که دارای

1. Fukuyama
2. Tocqueville

انجمن‌های داوطلبانه است از این خطر پیشگیری می‌کنند. فوکویاما ادعا دارد که حکومت‌ها می‌توانند سرمایه اجتماعی را حفظ کنند، ولی احتمالاً توانایی خلق آن را ندارند و شاید آموزش مهم‌ترین زمینه سیاست عمومی برای تقویت سرمایه اجتماعی باشد (تاجبخش، ۱۳۸۴: ۱۵-۱۴).

چارچوب نظری تحقیق

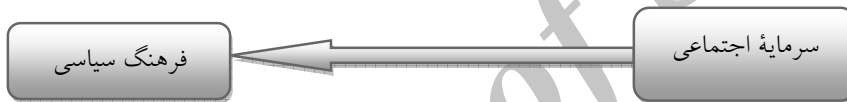
انتخاب چارچوب نظری لازمه انجام هر پژوهش علمی است. همان طور که قبلاً توضیح دادیم، محور اصلی مقاله حاضر را تعیین رابطه سرمایه اجتماعی و فرهنگ سیاسی مشارکتی تشکیل می‌دهد. توضیح اینکه یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های جوامع در حال گذار از میان رفتن همبستگی‌های مکانیکی و کم‌رنگ شدن ایجاد انگیزه در افراد برای مشارکت سیاسی است. تمایل نداشتن و بی‌علاقگی افراد برای دخالت در امور سیاسی دلایل متعددی دارد که یکی از آنها فرهنگ سیاسی حاکم بر جامعه می‌باشد.

از نگاه بسیاری از پژوهشگران از جمله: آلموند و پاول از میان سه فرهنگ سیاسی تبعی، محدود و مشارکتی تنها فرهنگ سیاسی نوع سوم، یعنی مشارکتی است که زمینه مشارکت سیاسی افراد و از جمله دانشجویان را فراهم می‌کند. درخصوص عوامل مؤثر در شکل‌گیری فرهنگ سیاسی مشارکتی در افراد یک جامعه و ایجاد دگردیسی در فرهنگ سیاسی آنان از حالت تبعی و محدود به مشارکتی دیدگاه‌های متعددی مطرح شده که از میان آنها پاتنام بر نقش سرمایه اجتماعی برای انجام این تحول به تغییر فرهنگ سیاسی از وضعیت تبعی و محدود به مشارکتی تأکید می‌کند.

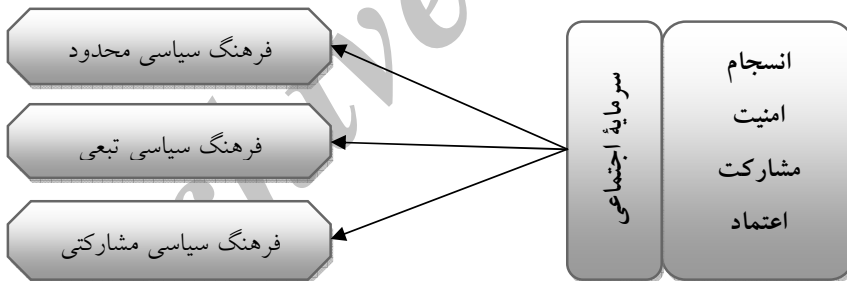
پاتنام با مطرح کردن مفهوم سرمایه اجتماعی در سطح ملی پایه تحلیل خود را بر فرهنگ و آن هم فرهنگ سیاسی مشارکتی استوار کرد. او با تأکید بر هنجارهای مشارکت مدنی اضافه می‌کند که این منابع (شبکه‌ها، هنجارها و اعتماد) در جوامع مدنی خصلتی خودتقویت‌کننده دارند و باعث ارتقای همکاری، مشارکت مدنی، اعتماد متقابل و رفاه اجتماعی می‌شوند و

در جوامع غیرمدنی به دلیل نداشتن توان خودتقویتی باعث تقویت عهدشکنی، بی‌اعتمادی، بهره‌کشی، انزوا و رکود می‌گردند (پاتنام، ۱۳۸۰:۳۰۰).

بنابراین، با توجه به چنین پیشینه‌ای، دیدگاه‌های پاتنام مبنی بر نقش مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی، یعنی انسجام، مشارکت، امنیت و اعتماد در تغییر فرهنگ سیاسی به مثابه چارچوب نظری، انتخاب و مدل تجربی (۲۱) را طراحی کردیم. هدف نویسندگان در مرحله بعدی، کاربست این مدل برای تبیین رابطه دو متغیر سرمایه اجتماعی و فرهنگ سیاسی و تشریح نقش مؤلفه سرمایه اجتماعی در تغییر فرهنگ سیاسی دانشجویان از تبعی و محدود به مشارکتی است.



نمودار ۱. مدل مفهومی تحقیق



نمودار ۲. مدل تجربی تحقیق

مهم‌ترین فرضیه‌های استفاده شده عبارت‌اند از:

۱. به نظر می‌رسد بین مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی و فرهنگ سیاسی محدود رابطه معناداری وجود دارد.

۲۱۷ ❖ بررسی رابطه میان سرمایه اجتماعی و فرهنگ سیاسی ...

۲. به نظر می‌رسد بین مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی و فرهنگ سیاسی تبعی رابطه معناداری وجود دارد.

۳. به نظر می‌رسد بین مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی و فرهنگ سیاسی مشارکتی رابطه معناداری وجود دارد.

روش‌شناسی

رویکرد استفاده شده در این مقاله، کمی^۱ و روش آن پیمایش^۲ است. جمع‌آوری اطلاعات از طریق پرسش‌نامه^۳ انجام شده و جامعه آماری مورد مطالعه دانشجویان کارشناسی‌ارشد دانشگاه اصفهان است که بر اساس آخرین آمار رسمی اداره آموزش دانشگاه در سال ۱۳۸۹ جمعیت کل دانشجویان کارشناسی‌ارشد این دانشگاه برابر ۲ هزار و ۸۲۱ نفر می‌باشد.

علت انتخاب دانشجویان اصفهان این است که اولاً این دانشگاه یکی از دانشگاه‌های بزرگ کشور است و با خیل عظیم دانشجو می‌تواند در حرکت‌های سیاسی داخل و خارج از دانشگاه نقش مؤثر و تعیین‌کننده‌ای داشته باشد و ثانیاً به دلیل سهولت در دسترسی به دانشجویان و همچنین، گردآوری صحیح داده‌ها از سوی محققان، دانشگاه مذکور را انتخاب کردیم. شایان ذکر است که دانشجویان مقاطع تحصیلات تکمیلی به دلیل نگرشی واقع‌بینانه‌تر در مقایسه با سایر دانشجویان بهتر می‌توانستند ما را با واقعیت‌های حاکم بر فضای سیاسی دانشگاه آشنا کنند، بنابراین این گروه را برای مطالعه حاضر انتخاب کردیم.

برای به دست آوردن حجم نمونه، از جدول نمونه‌گیری «نان لین» استفاده کرده (Lin, 1974) و برای بالا رفتن دقت در انتخاب نمونه در سطح خطای کمتر از پنج درصد، حجم نمونه ۱۰۰ نفر و به دلیل بالا بردن پایایی ابزار تحقیق ۱۲۰ نفر را در نظر گرفتیم و به منظور انتخاب نمونه بر اساس نمونه‌گیری تصادفی سیستماتیک عمل کردیم. در این نوع نمونه‌گیری

-
1. Quantitative
 2. Survey
 3. Questionnaire

اسامی همه افراد مدنظر را فهرست‌بندی نموده و با استفاده از فرمول تعداد جامعه تقسیم بر تعداد نمونه، فاصله بین افراد انتخابی را مشخص کردیم. در این مقاله، این فاصله به این صورت بود که از میان هر شش نفر یکی را انتخاب و با انتخاب تصادفی نفر اول اقدام به نمونه‌گیری کردیم.

برای سنجش و شاخص‌سازی سرمایه اجتماعی و فرهنگ سیاسی به صورت ذیل عمل شد:

سرمایه اجتماعی: سرمایه اجتماعی مجموعه‌ای از شبکه‌های اجتماع محلی، سطوح بالای تعهد یا مشارکت در شبکه‌های اجتماع محلی، احساس تجانس و برابری و هنجارهای تعمیم‌یافته مربوط به اعتماد و کمک متقابل بین اعضای اجتماع محلی است (Campbell & Jovchelovitch, 2000: 259). در این مقاله سرمایه اجتماعی را در ابعادی چون: اعتماد افراد به یکدیگر، مشارکت آنها درباره زندگی خوابگاهی و حمایت‌های اجتماعی، مالی و روانی، انسجام و امنیت اجتماعی در میان آنها با استفاده از مقیاس «لیکرت» با ۲۰ گویه سنجیده‌ایم؛ بُعد اعتماد با پنج گویه، مشارکت با پنج گویه، انسجام و امنیت نیز با پنج گویه. شایان ذکر است که کدگذاری سؤال‌ها برای کاملاً موافق با عدد پنج و کاملاً مخالف با عدد یک ثبت شده است.

مفهوم فرهنگ سیاسی را اولین بار آلموند در علم سیاست به کار برد. وی مفهوم فرهنگ سیاسی را الگوی ایستارها و سمت‌گیری‌های فردی نسبت به سیاست در میان اعضای یک نظام تعریف می‌کند (عالم، ۱۳۷۸: ۱۱۳). در این مقاله، فرهنگ سیاسی را به سه بُعد تقسیم کردیم و هر کدام از این سه بُعد را با استفاده از سؤال‌هایی در قالب طیف لیکرت سنجیدیم و برای به دست آوردن پایایی مفهوم سرمایه اجتماعی و فرهنگ سیاسی از آلفای کرونباخ استفاده کردیم. جدول ۱ میزان آلفای کرونباخ طیف سرمایه اجتماعی و فرهنگ سیاسی را نشان می‌دهد.

جدول ۲ نشان‌دهنده وضعیت میانگین نمره پاسخگویان برای متغیرهایی چون: مشارکت اجتماعی، اعتماد اجتماعی، انسجام و امنیت اجتماعی است. شاخص اول داده‌های جدول نشان می‌دهد که میانگین نمره مشارکت اجتماعی برای افراد مورد مطالعه برابر ۴۷/۳۳ است. این نمره در مقایسه با دامنه نمره (۱۱ تا ۵۵) در حد بالایی است و بیانگر وجود مشارکت بالا در میان دانشجویان است.

شاخص دیگر انسجام اجتماعی افراد را نشان می‌دهد. میانگین نمره آن برای افراد مورد مطالعه برابر ۲۵/۲۷ است که این نمره در مقایسه با دامنه نمره (۷ تا ۳۵) در حد بالایی قرار دارد. این شاخص بیانگر این واقعیت است که در میان بیشتر دانشجویان حس انسجام بالایی وجود دارد. شاخص دیگر در این مجموعه اعتماد اجتماعی در میان دانشجویان است که میانگین نمره آن برای افراد مورد مطالعه برابر ۳۹/۳۸ است که این نمره در مقایسه با دامنه نمره (۱۱ تا ۵۵) در حد بالایی قرار دارد. این آمار بیانگر این است که بیشتر دانشجویان در جامعه از اعتماد اجتماعی مناسبی برخوردارند.

شاخص بعدی در این جدول امنیت اجتماعی است که میانگین نمره آن برای افراد مورد مطالعه برابر ۲۱/۱۱ است که این نمره در مقایسه با دامنه نمره (۶ تا ۳۰) در حد بالایی است و بیانگر این مطلب که امنیت اجتماعی دانشجویان بالاست.

جدول ۲. توزیع نسبی شاخص‌های اجتماعی - سیاسی پاسخگویان

متغیر	فراوانی	میانگین	انحراف معیار
مشارکت اجتماعی	۱۲۰	۵۰/۴۸	۹/۸۸
اعتماد اجتماعی	۱۲۰	۲۱/۱۱	۳/۸۶
انسجام اجتماعی	۱۲۰	۱۵/۲۷	۴/۵۵
امنیت اجتماعی	۱۲۰	۳۹/۳۸	۵/۱۶

بررسی فرضیه‌ها

برای آزمون متغیرهای مستقلی که در سطح سنجش فاصله‌ای قرار می‌گیرند، با متغیر وابسته که در سطح سنجش فاصله‌ای است، از ضریب همبستگی پیرسون استفاده کرده و برای مقایسه تفاوت میانگین‌ها از آزمون «فیشر» و «دانت» استفاده کرده‌ایم.

جدول ۳ ضریب همبستگی پیرسون برای متغیرهای مستقل در سطح سنجش فاصله‌ای را نشان می‌دهد. آمارهای جدول نشان می‌دهد که رابطه معناداری بین بعضی از ابعاد فرهنگ سیاسی با متغیرهای مستقل مندرج در جدول وجود دارد. مثلاً بین متغیر میزان انسجام اجتماعی با فرهنگ سیاسی محدود ($r = -0/38$) و فرهنگ سیاسی مشارکتی ($r = 0/42$) و فرهنگ سیاسی تبعی ($r = -0/16$) رابطه معناداری وجود دارد. همچنین میان متغیر امنیت اجتماعی با فرهنگ سیاسی محدود ($r = -0/19$) و فرهنگ سیاسی تبعی ($r = -0/14$) رابطه معکوس و فرهنگ سیاسی مشارکتی ($r = 0/29$) رابطه مستقیم وجود دارد.

سومین شاخص سرمایه اجتماعی مشارکت اجتماعی است. با توجه به آمارهای جدول بین متغیر مشارکت اجتماعی با هر سه بُعد فرهنگ سیاسی (محدود، تبعی و مشارکتی) رابطه معناداری وجود دارد. آخرین متغیر اعتماد اجتماعی است که با فرهنگ سیاسی محدود ($r = -0/25$) و فرهنگ سیاسی مشارکتی ($r = 0/56$) و همچنین فرهنگ سیاسی تبعی ($r = -0/16$) ارتباط معناداری دارد. نتایج نشان می‌دهد که هر اندازه سرمایه اجتماعی بالاتر رود، فرهنگ سیاسی در ابعاد محدود و تبعی پایین و در بُعد مشارکتی بالا می‌رود.

می‌توان گفت بین سرمایه اجتماعی و فرهنگ سیاسی محدود و تبعی رابطه معکوس و معنادار و بین سرمایه اجتماعی و فرهنگ سیاسی مشارکتی رابطه معنادار و مستقیم وجود دارد. بنابراین، سه فرضیه مذکور در این مقاله در سطح حداقل ۰/۹۵ معنادار است و فرض H1 مقبول بوده و می‌توان با اطمینان ۹۵ درصد این نتیجه را به جامعه آماری تعمیم داد.

جدول ۳. ضریب همبستگی پیرسون بین مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی و ابعاد گوناگون فرهنگ سیاسی

ابعاد فرهنگ سیاسی			مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی	
مشارکتی	تبعی	محدود		
۰/۴۲	-۰/۱۶	-۰/۳۸	مقدار همبستگی	انسجام اجتماعی
۰/۰۰۰	۰/۰۳۳	۰/۰۰۰	سطح معناداری	
۰/۲۹	-۰/۱۴	-۰/۱۹	مقدار همبستگی	امنیت اجتماعی
۰/۰۰۵	۰/۰۵۰	۰/۰۱۸	سطح معناداری	
۰/۷۸	-۰/۳۶	-۰/۲۶	مقدار همبستگی	مشارکت اجتماعی
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۱	سطح معناداری	
۰/۵۶	-۰/۱۶	-۰/۲۵	مقدار همبستگی	اعتماد اجتماعی
۰/۰۰۰	۰/۰۳۳	۰/۰۰۱	سطح معناداری	

❖ سال دوازدهم، شماره شانزدهم، زمستان ۱۳۹۰

تفاوت میانگین‌ها در ابعاد گوناگون سرمایه اجتماعی

جدول ۴ آزمون مقایسه میانگین ابعاد متغیر سرمایه اجتماعی را نشان می‌دهد. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که تفاوت معناداری به لحاظ آماری بین میانگین نمره ابعاد گوناگون سرمایه اجتماعی وجود دارد. داده‌های جدول نشان می‌دهد که میانگین نمره سرمایه اجتماعی برای افراد مورد مطالعه در بُعد انسجام اجتماعی برابر ۵۰/۴۸ است. میانگین نمره سرمایه اجتماعی برای افراد مورد مطالعه در بُعد امنیت اجتماعی برابر ۲۱/۱۱ است. همچنین میانگین نمره مشارکت اجتماعی برای افراد مورد مطالعه برابر ۱۵/۲۷ است.

میانگین نمره سرمایه اجتماعی برای افراد مورد مطالعه در بُعد اعتماد اجتماعی برابر ۳۹/۳۸ است. نتایج نشان می‌دهد که تفاوت مشاهده شده بین میانگین‌های هر بُعد با هم

۲۲۳ ❖ بررسی رابطه میان سرمایه اجتماعی و فرهنگ سیاسی ... ❖

متفاوت است و این تفاوت بر اساس آزمون F با مقدار ۱۴/۶۶ و در سطح معناداری ۰/۰۰۰ تأیید شده است.

جدول ۴. آزمون مقایسه میانگین ابعاد گوناگون متغیر سرمایه اجتماعی

سطح معناداری	آزمون فیشر	میانگین	فراوانی	سرمایه اجتماعی
۰/۰۰۰	۱۴/۶۶	۵۰/۴۸	۱۲۰	انسجام اجتماعی
		۲۱/۱۱	۱۲۰	امنیت اجتماعی
		۱۵/۲۷	۱۲۰	مشارکت اجتماعی
		۳۹/۳۸	۱۲۰	اعتماد اجتماعی

جدول ۵ آزمون معناداری دانت برای تفاوت میانگین نمره سرمایه اجتماعی دانشجویان را در ابعاد گوناگون این متغیر نشان می دهد. نتایج حاصل از جدول نشان می دهد که بین همه ابعاد گوناگون این متغیر با هم تفاوت معناداری وجود دارد.

جدول ۵. آزمون تفاوت معناداری دانت برای مقایسه نمره افراد از ابعاد سرمایه اجتماعی

سطح معناداری	انحراف معیار	تفاوت میانگین	آزمون دانت	
۰/۰۰۱	۲/۳۴	۲۹/۳۷	انسجام اجتماعی	امنیت اجتماعی
۰/۰۲۳	۴/۳۴	۳۵/۲۱	انسجام اجتماعی	مشارکت اجتماعی
۰/۰۰۶	۱/۳۴	۱۱/۱	انسجام اجتماعی	اعتماد اجتماعی

تفاوت میانگین‌ها در ابعاد گوناگون فرهنگ سیاسی

جدول ۶ آزمون مقایسه میانگین ابعاد متغیر فرهنگ سیاسی را نشان می‌دهد. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که تفاوت معناداری به لحاظ آماری بین میانگین نمره ابعاد گوناگون فرهنگ سیاسی وجود دارد. داده‌های جدول نشان می‌دهد که میانگین نمره فرهنگ سیاسی برای افراد مورد مطالعه در بُعد فرهنگ سیاسی محدود برابر ۳/۱۱ است. میانگین نمره فرهنگ سیاسی برای افراد مورد مطالعه در بُعد فرهنگ سیاسی تبعی برابر ۴/۰۴ است. همچنین میانگین نمره مؤلفه فرهنگ سیاسی مشارکتی برای افراد مورد مطالعه برابر ۳/۶۲ است. نتایج نشان می‌دهد که تفاوت مشاهده شده بین میانگین‌های هر بُعد با هم متفاوت است و این تفاوت بر اساس آزمون F با مقدار ۷/۶۶ و در سطح معناداری ۰/۰۰۰ تأیید شده است.

جدول ۶. آزمون مقایسه میانگین ابعاد گوناگون متغیر فرهنگ سیاسی

فرهنگ سیاسی	فراوانی	میانگین	آزمون فیشر	سطح معناداری
محدود	۱۲۰	۳/۱۱	۷/۶۶	۰/۰۰۰
تبعی	۱۲۰	۴/۰۴		
مشارکتی	۱۲۰	۳/۶۲		

جدول ۷ آزمون معناداری دانت برای تفاوت میانگین نمره فرهنگ سیاسی دانشجویان در ابعاد گوناگون این متغیر را نشان می‌دهد. نتایج حاصل از جدول نشان می‌دهد که بین همه ابعاد گوناگون این متغیر با هم تفاوت معناداری وجود دارد.

جدول ۷. آزمون تفاوت معناداری دانت برای مقایسه نمره افراد از ابعاد فرهنگ سیاسی

آزمون دانت		تفاوت میانگین	انحراف معیار	سطح معناداری
فرهنگ سیاسی محدود	فرهنگ سیاسی تبعی	۱/۷۴	۰/۳۴	۰/۰۰۱
فرهنگ سیاسی محدود	فرهنگ سیاسی مشارکتی	۰/۸۱	۰/۳۴	۰/۰۲۳

رگرسیون چندمتغیره

رگرسیون چندمتغیره روش آماری است که برای تحلیل تأثیر جمعی و فردی دو یا چند متغیر مستقل بر روی تغییرات متغیر وابسته به کار می‌رود (کرلینجر و پدهازور، ۱۳۶۶: ۱۰). در این تحلیل، واریانس متغیر فرهنگ سیاسی و ابعاد آن از طریق مشارکت نسبی و ترکیب خطی ابعاد متغیر سرمایه اجتماعی تبیین و پیش‌بینی می‌شود.

بررسی نتایج آماری مندرج در جدول ۸ نشان می‌دهد که با سطح معناداری حداقل ۹۵ درصد، معادله رگرسیونی فرهنگ سیاسی مشارکتی دارای چهار مرحله است. بر اساس این جدول، در مرحله نخست، با ورود متغیر مشارکت اجتماعی ($R=0/647$) و ضریب تعیین آن ($R^2=0/419$) شده است؛ بدین معنی که این متغیر به تنهایی ۴۱/۹ درصد تغییرهای متغیر وابسته را توضیح می‌دهد. ضریب بتای این متغیر ($Beta=0/538$) نیز بیانگر رابطه مثبت بین متغیر مشارکت اجتماعی و فرهنگ سیاسی مشارکتی است.

در مرحله بعد، اعتماد اجتماعی وارد معادله شد. در این حالت، ضریب رگرسیون ($R=0/675$) و ضریب تعیین به ($R^2=0/456$) رسید. این متغیر به تنهایی ۳/۷ درصد تغییرهای متغیر وابسته را توضیح می‌دهد. ضریب بتای متغیر ($Beta=0/186$) نشان‌دهنده رابطه مثبت بین این متغیر با متغیر وابسته است. در مرحله سوم، متغیر انسجام وارد معادله شد. ضریب رگرسیونی با ورود این متغیر و متغیرهای قبل به ($R=0/690$) و ضریب تعیین به ($R^2=0/475$) رسیده

است. این متغیر به تنهایی ۱/۹ درصد از تغییرهای متغیر وابسته را تبیین می‌کند. ضریب بتای این متغیر ($Beta=0/153$) بیانگر رابطه منفی بین متغیر یاد شده با متغیر وابسته است. در مرحله چهارم، با ورود متغیر امنیت اجتماعی، ضریب رگرسیون به ($R=0/698$) و ضریب تعیین به ($R^2=0/488$) افزایش یافته است. این متغیر ۱/۳ درصد تغییرهای متغیر وابسته را توضیح می‌دهد. ضریب بتای این متغیر ($Beta=0/142$) نشان‌دهنده رابطه منفی این متغیر با متغیر وابسته است.

جدول ۸. عناصر مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی برای پیش‌بینی

فرهنگ سیاسی مشارکتی

متغیر وارد شده	R	R ²	B ضریب	ضریب Beta	انحراف استاندارد	T	Sig.T
مشارکت	۰/۶۴۷	۰/۴۱۹	۰/۴۶۳	۰/۵۳۸	۰/۰۳۴	۱۳/۷۴۴	۰/۰۰۰
اعتماد	۰/۶۷۵	۰/۴۵۶	۰/۱۴۹	۰/۱۸۶	۰/۰۳۰	۴/۹۲۵	۰/۰۰۰
انسجام	۰/۶۹۰	۰/۴۷۵	۰/۱۳۳	۰/۱۵۳	۰/۰۳۲	۴/۱۱۳	۰/۰۰۰
امنیت	۰/۶۹۸	۰/۴۸۸	۰/۱۴۱	۰/۱۴۲	۰/۰۴۰	۳/۵۴۰	۰/۰۰۰

$$a=7/148$$

دومین معادله رگرسیونی مربوط به تحلیل چندمتغیره فرهنگ سیاسی تبعی است که سه مرحله دارد. بر پایه این جدول، در مرحله نخست با ورود متغیر مشارکت اجتماعی ($R=0/352$) و ضریب تعیین آن ($R^2=0/124$) شده است؛ بدین معنی که این متغیر به تنهایی توانسته ۱۲/۴ درصد تغییرهای متغیر وابسته را توضیح دهد. ضریب بتای این متغیر ($Beta=-0/289$) نیز بیانگر رابطه مثبت بین متغیر مشارکت اجتماعی و فرهنگ سیاسی تبعی است.

در مرحله بعد، انسجام اجتماعی وارد معادله شد. در این حالت، ضریب رگرسیون ($R=0/443$) و ضریب تعیین به ($R^2=0/196$) رسیده است. این متغیر به تنهایی ۷/۲ درصد تغییرهای متغیر وابسته را توضیح می‌دهد. ضریب بتای متغیر ($Beta=-0/209$) نشان‌دهنده رابطه

۲۲۷ ❖ بررسی رابطه میان سرمایه اجتماعی و فرهنگ سیاسی ...

مثبت بین این متغیر با متغیر وابسته است. در مرحله سوم، متغیر اعتماد اجتماعی وارد معادله شده است. ضریب رگرسیونی با ورود این متغیر و متغیرهای قبل به $(R=0/469)$ و ضریب تعیین به $(R^2=0/220)$ رسیده است. این متغیر به تنهایی $2/4$ درصد از تغییرهای متغیر وابسته را تبیین کرده و ضریب بتای این متغیر $(Beta=-0/218)$ بیانگر رابطه منفی بین متغیر یاد شده با متغیر وابسته است.

جدول ۹. عناصر مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی برای پیش‌بینی فرهنگ سیاسی تبعی

متغیر وارد شده	R	R ²	B ضریب	Beta ضریب	انحراف استاندارد	T	Sig.T
مشارکت	۰/۳۵۲	۰/۱۲۴	-۰/۲۴۴	-۰/۲۸۹	۰/۰۴	-۶/۳۲۰	۰/۰۰۰
انسجام	۰/۴۴۳	۰/۱۹۶	-۰/۰۹۶	-۰/۲۰۹	۰/۰۲۱	-۴/۵۴۴	۰/۰۰۰
اعتماد	۰/۴۶۹	۰/۲۲۰	-۰/۱۸۶	-۰/۲۱۸	۰/۰۴۱	-۴/۵۷۳	۰/۰۰۰
امنیت	۰/۶۹۸	۰/۴۸۸	۰/۱۴۱	۰/۱۴۲	۰/۰۴۰	۳/۵۴۰	۰/۰۰۰

$$a = 12/396$$

سومین معادله رگرسیونی به پیش‌بینی فرهنگ سیاسی محدود می‌پردازد. بررسی نتایج آماری مندرج در جدول ۱۰ نشان می‌دهد که با سطح معناداری حداقل ۹۵ درصد، معادله رگرسیونی فرهنگ سیاسی مشارکتی دارای چهار مرحله است. بر اساس این جدول، در مرحله نخست با ورود متغیر انسجام اجتماعی $(R=0/513)$ و ضریب تعیین آن $(0/263)$ شده است که نشان‌دهنده آن است که بین این متغیر و متغیر وابسته همبستگی بالایی وجود دارد. این متغیر به تنهایی توانسته است $26/3$ درصد تغییرات متغیر وابسته را توضیح می‌دهد.

ضریب بتای این متغیر $(Beta=-0/454)$ نیز بیانگر رابطه مثبت بین متغیر انسجام اجتماعی و فرهنگ سیاسی مشارکتی است. در مرحله بعد، مشارکت اجتماعی وارد معادله شد. در این حالت، ضریب رگرسیون $(R=0/535)$ و ضریب تعیین به $(R^2=0/286)$ رسیده است.

این متغیر به تنهایی ۲/۳ درصد تغییرهای متغیر وابسته را توضیح می‌دهد. ضریب بتای این متغیر ($Beta = -0/106$) نشان‌دهنده رابطه مثبت بین این متغیر با متغیر وابسته است. در مرحله سوم، متغیر اعتماد وارد معادله شده است.

ضریب رگرسیونی با ورود این متغیر و متغیرهای قبل به ($R = 0/556$) و ضریب تعیین به ($R^2 = 0/309$) رسیده است. این متغیر نیز به تنهایی ۲/۳ درصد از تغییرهای متغیر وابسته را تبیین کرده است. ضریب بتای این متغیر ($Beta = -0/167$) بیانگر رابطه منفی بین متغیر یاد شده با متغیر وابسته است. در مرحله چهارم، با ورود متغیر امنیت اجتماعی ضریب رگرسیون به ($R = 0/575$) و ضریب تعیین به ($R^2 = 0/330$) رسیده است. این متغیر ۲/۱ درصد تغییرهای متغیر وابسته را توضیح داده و ضریب بتای این متغیر ($Beta = -0/362$) نشان‌دهنده رابطه منفی این متغیر با متغیر وابسته است.

جدول ۱۰. عناصر مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی برای پیش‌بینی فرهنگ سیاسی محدود

Sig.T	T	انحراف استاندارد	ضریب Beta	B ضریب	R ²	R	متغیر وارد شده
۰/۰۰۰	-۱۰/۲۶۷	۰/۰۳۴	-۰/۴۵۴	-۰/۳۵۴	۰/۲۶۳	۰/۵۱۳	انسجام اجتماعی
۰/۰۱۶	-۲/۴۳۰	۰/۰۱۹	-۰/۱۰۶	-۰/۰۴۵	۰/۲۸۶	۰/۵۳۵	مشارکت اجتماعی
۰/۰۰۰	-۴/۰۰۲	۰/۱۵۴	-۰/۱۶۷	-۰/۶۱۸	۰/۳۰۹	۰/۵۵۶	اعتماد اجتماعی
۰/۰۰۰	-۳/۹۲۰	۰/۰۳۴	-۰/۳۶۲	-۰/۱۳۴	۰/۳۳۰	۰/۵۷۵	امنیت اجتماعی

a = ۴/۴۷۲

بحث و نتیجه‌گیری

اگر آن چنان‌که «گیدنز» و بسیاری دیگر از اندیشمندان علوم اجتماعی خاطرنشان می‌کنند مبنای حرکت برای تحکیم و تثبیت ضریب دموکراسی و جامعه‌ای دموکرات را بر قواعد و روش‌های دموکراسی از پایین به بالا و تغییر یک به یک نهادها در جامعه گذاشت، آن گاه سرمایه اجتماعی به مثابه یکی از منابع مهم در توسعه فرهنگ سیاسی و تسریع روند دموکرات شدن نقش بسیار حیاتی ایفا خواهد کرد.

سرمایه اجتماعی از این منظر همچون مفاهیم سرمایه فیزیکی و انسانی به ویژگی‌های سازمان اجتماعی از قبیل: شبکه‌ها، هنجارها و اعتماد اشاره دارد که هماهنگی و همکاری برای کسب سود متقابل و جمعی را تسهیل می‌کند. یکی از این مزایا را می‌توان در آثار و برآیندهای مناسب سرمایه اجتماعی بر فرهنگ سیاسی نشان داد. بر این اساس، این نوشتار بر آن بود تا با معرفی شاخص‌های پیوند سرمایه اجتماعی و فرهنگ سیاسی امکان عرضه مدلی نو از اثرات سرمایه اجتماعی بر فرهنگ سیاسی را نشان دهد.

نتایج حاصل از رگرسیون چندمتغیره نشان می‌دهد که در تغییرهای فرهنگ سیاسی و ابعاد آن، سرمایه اجتماعی به مثابه متغیری پیش‌بینی‌کننده می‌تواند اثرگذار باشد. نتایج حاصل از این مطالعه نشان می‌دهد که سرمایه اجتماعی در چهار بُعد اعتماد، مشارکت، انسجام و امنیت اجتماعی با فرهنگ سیاسی در بُعد مشارکتی رابطه معنادار و مستقیمی دارند؛ به این معنا که با افزایش در ابعاد و مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی، فرهنگ سیاسی در بُعد مشارکتی میان دانشجویان تقویت می‌شود.

نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که سرمایه اجتماعی در همه ابعاد چهارگانه‌اش در این مطالعه با ابعاد تبعی و محدود فرهنگ سیاسی رابطه معکوس، اما معناداری دارد؛ یعنی هر اندازه سرمایه اجتماعی بالا رود، نمره میانگین فرهنگ سیاسی محدود و تابع در میان پاسخگویان کاهش می‌یابد. این نتیجه همچنین این نکته را بیان می‌کند که هر اندازه در جامعه شاهد بالا رفتن سرمایه اجتماعی میان دانشجویان باشیم، سعی دارند از سمت فرهنگ‌های سیاسی

محدود و تبعی فاصله گرفته و به سمت مشارکتی حرکت کنند.

همچنین نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد که برخی از شاخص‌های سرمایه اجتماعی با فرهنگ سیاسی مشارکتی رابطه معناداری دارند یا به عبارت دیگر، تقویت برخی از شاخص‌های سرمایه اجتماعی می‌تواند در تغییر فرهنگ سیاسی دانشجویان از تبعی و محدود به مشارکتی نقش مؤثری داشته باشد. بر اساس یافته‌های پژوهش، فرضیه اصلی آلموند که «با افزایش میزان سرمایه اجتماعی در جامعه، فرهنگ سیاسی از حالت سستی به سمت دموکراتیک در حرکت است» تأیید می‌شود.

نتایج حاکی از این مطلب است که هر اندازه سرمایه اجتماعی در میان دانشجویان بالاتر رود، در نگرش آنها فرهنگ سیاسی جامعه، به طور اعم و دانشجویان به طور اخص، از سستی به سمت مشارکتی و دموکراتیک حرکت می‌کند. می‌توان گفت نتایج پژوهش حاضر با مبانی نظری تحقیق نیز تا حدودی همخوانی دارد؛ مثلاً پاتنام بر این باور بود که سرمایه اجتماعی نقش مهمی در فرهنگ سیاسی مشارکتی و دموکراتیک دارد و در این میان نقش منابعی چون: هنجارها، شبکه‌ها و اعتماد را در تقویت جوامع مدنی مؤثر می‌داند که این امر باعث ارتقای سطح همکاری، انسجام، امنیت و مشارکت می‌شود.

نتایج از طرفی یافته‌های تحقیقات پیشین در این زمینه را تأیید می‌کند. برای مثال جهانگیری و بوستانی در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که هرچه تحصیلات افراد بالاتر باشد، شناخت بیشتری از درون‌داده‌ها، یعنی تقاضاها و حمایت‌ها پیدا می‌کنند و می‌توانند در فرایندهای سیاسی نقش فعالی را ایفا نمایند. احمدی نیز در پژوهش خود به این نتیجه رسید که میان سرمایه اجتماعی و دموکراسی، رابطه دیالکتیکی وجود دارد. از این منظر سرمایه اجتماعی به تقویت شاخص‌های تشکیل‌دهنده مؤلفه‌های دموکراسی منجر شده و تقویت و تحکیم این مؤلفه‌ها، مجموعه‌ای از شرایط مناسب را برای رشد و نضج دموکراسی یا تثبیت آن فراهم می‌آورد.

علاوه بر این، یافته‌های نوشتار حاضر می‌تواند به مثابه راهکاری برای تقویت بُعد مردم‌سالارانه

۲۳۱ ❖ بررسی رابطه میان سرمایه اجتماعی و فرهنگ سیاسی ...

نظام مورد توجه مسئولان قرار گیرد؛ از آنجا که با توجه به شرایط داخلی و خارجی یکی از مهم ترین اهداف رهبران جمهوری اسلامی ایران تقویت بُعد مردم‌سالاری نظام است و برای تحقق این مهم دانشجویان جایگاه ویژه‌ای دارند، بنابراین می‌توان به مسئولان فرهنگی کشور پیشنهاد داد تا با اتخاذ راهکارهایی از طریق تقویت سرمایه اجتماعی در میان دانشجویان، آنها را ترغیب به مشارکت سیاسی کنند.

یکی از اقداماتی که می‌تواند در دانشگاه‌ها به انسجام نظام دانشگاهی دانشجویان کمک شایانی کند، برخوردهای مسالمت‌آمیز و منطبق با بستر نظام دانشگاهی در برخوردهای سازمانی و غیرسازمانی با دانشجویان است. ما نمی‌توانیم سرمایه اجتماعی را در میان دانشجویان و نظام دانشگاهی بالا ببریم و از طرف دیگر، انتظار فرهنگ سیاسی محدود یا تبعی از دانشجویان داشته باشیم، چراکه خروجی‌های این برخوردها برابر با فرهنگ سیاسی مشارکتی است که در نظام دانشگاهی می‌تواند به بهره‌وری بیشتر و عملکرد صحیح‌تر نظام دانشگاهی منجر شود.

منابع و مأخذ

- احمدی، یعقوب، (۱۳۸۵). «سرمایه اجتماعی، جامعه مدنی و دموکراسی»، مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۲۲۵ و ۲۲۶، ص ۲۴۵ - ۲۳۲.
- ایمان، محمدتقی، گلمراد مرادی و سکینه حسینی، (۱۳۸۷). «بررسی تطبیقی رابطه سرمایه اجتماعی و سلامت روانی دانشجویان غیر ساکن دانشگاه‌های تهران و شیراز»، فصلنامه علمی - پژوهشی رفاه اجتماعی، سال هشتم، شماره ۳۰ و ۳۱، ص ۱۴۳ - ۱۶۹.
- اکبری، امین، (۱۳۸۳). «نقش سرمایه اجتماعی در مشارکت - بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر مشارکت سیاسی و اجتماعی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- پاتنام، رابرت، (۱۳۸۰). دموکراسی و سنت‌های مدنی، ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران: دفتر مطالعات و تحقیقات سیاسی وزارت کشور.
- پای، لوسین، (۱۳۷۰). «فرهنگ سیاسی و توسعه سیاسی»، ترجمه مجید محمدی، نامه فرهنگ، سال دوم، شماره ۵ - ۶.

۲۳۳ ❖ بررسی رابطه میان سرمایه اجتماعی و فرهنگ سیاسی ...

- تاجبخش، کیان، (۱۳۸۴). *سرمایه اجتماعی: اعتماد، دموکراسی و توسعه*، ترجمه: افشین خاکباز و حسن پویان، تهران: شیرازه.
- تقی‌لو، فرامرزی، (۱۳۸۴). «بررسی رابطه سرمایه اجتماعی با امنیت اجتماعی»، فصلنامه *مطالعات راهبردی*، سال نهم، شماره دوم، ص ۲۵۷ - ۲۳۹.
- جهانگیری، جهانگیر و داریوش بوستانی، (۱۳۸۰). «بررسی عوامل مؤثر بر فرهنگ سیاسی»، *مجله علوم اجتماعی و انسانی* دانشگاه شیراز: شماره ۲، ص ۱۹۱-۱۷۳.
- ربیعی، کامران، (۱۳۸۳). «بازی یک نفره»، ماهنامه *کتاب ماه علوم اجتماعی*، شماره ۸۹، سال هشتم.
- عالم، عبدالرحمن، (۱۳۷۸). *بنیادهای علم سیاست*، تهران: نی.
- عطارزاده، مجتبی و سیدجواد امام‌جمعه‌زاده و نجات محمدی‌فر، (۱۳۸۸). «نقش رسانه‌های جمعی در جهت‌دهی فرهنگ سیاسی دانشجویان»، *تبریز، نشریه دانشکده علوم انسانی و اجتماعی*، شماره ۲۵، ص ۱۷۱-۱۳۹.
- فوکویاما، فرانسیس، (۱۳۷۹). *پایان نظم*، ترجمه غلامعباس توسلی، تهران: جامعه ایرانیان.
- قوام، سید عبدالعلی، (۱۳۸۱). *سیاست‌های مقایسه‌ای*، تهران: سمت.
- قوام، سید عبدالعلی، (۱۳۸۲). *چالش‌های توسعه سیاسی*، تهران: قومس.
- کتابی، محمود و فریدون وحیدا و وحید قاسمی، (۱۳۸۰). «گونه‌شناسی فرهنگ سیاسی دانشجویان شاغل به تحصیل در ایران»، *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی* (دانشگاه اصفهان)، شماره ۲۶ و ۲۷، ص ۱۰۸ - ۷۷.
- کلمن، جیمز، (۱۳۷۷). *بنیادهای نظریه اجتماعی*، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نی.
- کرلینجر، فرد. ان و پدهازور، الازار. جی، (۱۳۶۶). *رگرسون چندمتغیری در پژوهش رفتاری*، ترجمه حسین سرایی، جلد دوم، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

- Almond, G.A and S. Verba. (1963). *Civic Culture: Political Attitudes and Democracy in Five Nations*, Princeton, Princeton University Press.
- Bourdieu, P.(1986). *The forms of capital*. In Richardson.J. (ed). Handbook of theory and Research for the sociology of education. New York: Greenwood Prees.
- Campbell, C. & Jovchelovitch, S. (2000). "**Health, community and development**", *Journal of Community and Applied Social Psychology*, Vol. 10, p. 255-270.
- Jang, Tian, W. (2002). *Exploring Social Capital and Its Political Consequences, The Case Of Taiwan*, Mishigan State University.
- Lin, N.(1974). *Foundation of Social Research*, New York: MC Grew. Hill.
- Lynch, J. & Kaplan, G.(1997). "**Understanding How Inequality in the Distribution of Income Effect Health**". *Journal of Health Psychology*, Vol.2, p.297-314.
- Putnam, R.(1995). *Democracy in America at Century end. In A. Hadenius (Ed.)*, Democracy Victory and Crisis, New York: Cambridge University Press.
- Rose, R. (2000). *How Much does Social Capital add to Individual Health? Social Science and Medicine*, Vol. 51, pp. 1421-1435.
- Wilkinson, R. (1999). "**Income Inequality, Social Cohesion and Health**". *International Journal of Health Services*, Vol. 29, p. 525-543.
- Winter, In.(2000)."**Towards a Theorised Understanding of Family Life and Social capital**". Available at: www.aifs.org.au